

خواندن در مدارس چند پایه شهری

تجارب یک معلم از تدریس خواندن در یک مدرسه شهری چندپایه‌ای^۱

نویسندگان: کالین سمپسون^۲، جنت کاندی^۳
مترجم: محمدامین اسپروز

خوبی کسب نکرده باشند، به احتمال زیاد در سایر زمینه‌های درسی نیز موفق نخواهند بود. بر این اساس، تمرکز این مقاله بر تجهیز دانش‌آموزان شهری و روستایی برای یادگیری بهتر این مهارت است تا رویکرد «یادگیری برای خواندن» به «خواندن برای یادگیری» تغییر کند. براساس نتایج آزمون ادبیات به‌دست آمده از کلاس‌های سوم دماغه غربی آفریقا، فقط ۴۲/۲ درصد از دانش‌آموزان آزمون موفق شده‌اند و در بخشی که مورد تمرکز این تحقیق است، تنها ۳۷/۵ درصد موفق به گذراندن آزمون شده‌اند.

پیشینه تحقیق

در این بخش به بررسی موضوعات مرتبط با آموزش خواندن در کلاس‌های چندپایه‌ای شهری پرداخته خواهد شد.

مقدمه

پدیده آموزش چندپایه‌ای بیشتر در مناطق روستایی شایع است. این مقاله، به بررسی روش‌هایی می‌پردازد که یک معلم در کلاس چندپایه‌ای مرحله ابتدایی^۴ به کار می‌بندد. مقاله براساس دغدغه پژوهشگر، که خود یک معلم دوره ابتدایی است، در خصوص وضعیت خواندن در مدارس چندپایه‌ای شهری آفریقای جنوبی، شکل گرفته است.

یکی از مهم‌ترین وظایف معلمان مرحله ابتدایی در کلاس‌های چندپایه، یاد دادن خواندن به تمامی دانش‌آموزان است. سال‌های اولیه مدرسه برای دانش‌آموزان، مهم‌ترین مرحله برای شکل‌گیری سواد است، و خواندن، پایه‌ای‌ترین مهارت و هسته مرکزی یادگیری به شمار می‌آید. یادگیری خواندن، پیش‌نیاز هر یادگیری دیگری است و دانش‌آموزانی که این مهارت را به



می‌شوند. شنیدن روایت‌ها باعث فعالیت‌های شناختی می‌شود و در نهایت، به‌درک مطلب منجر می‌گردد. کودکان می‌توانند با تصور کردن افکار و احساسات انسان‌ها، با آن‌ها احساس نزدیکی کنند؛ این عمل تصور اجتماعی^۱ و درک اجتماعی نام دارد. اگر بپذیریم که درک مطلب، هدف اصلی خواندن است، پس دایره واژگان - که برای برقراری ارتباط مؤثر لازم است - زیربنای درک مطلب است. اگر دایره واژگان خواننده محدود باشد، درک او از مطلب نیز محدود خواهد بود. البته این بدین معنی نیست که آموزش واژگان لزوماً

درک خواننده را افزایش خواهد داد. میان خواندن و دایره واژگان ارتباط مستقیمی وجود دارد؛ به‌عبارت دیگر، دانش آموزشی که واژگان بیشتری بلدند معمولاً متن را بهتر می‌خوانند. معلمان برای تقویت حافظه و درک متن از راهکارهای متفاوتی استفاده می‌کنند: در حین خواندن درباره ایده‌های موجود در متن سؤال می‌کنند، از دانش آموزان می‌خواهند از آنچه در متن آمده است تصویری ذهنی بسازند یا برای مشکلات و چالش‌هایی که برای شخصیت داستان پیش می‌آید، راه‌حل پیشنهاد دهند.

۲. تدریس چندپایه‌ای شهری

تدریس چندپایه‌ای به آموزشی گفته می‌شود که دانش آموزان در سنین، پایه‌ها و با مهارت‌های مختلف در یک کلاس توسط معلمی واحد آموزش می‌بینند. در آفریقا هیچ استاندارد برای این‌که چه پایه‌هایی می‌توانند با یکدیگر هم کلاس باشند، مشخص نشده است. راه‌اندازی کلاس‌های چندپایه معمولاً از روی نیاز است و دلیل آن

می‌تواند شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا منطقه‌ای باشد. با وجود ثروتمند بودن کشور آفریقای جنوبی، نابرابری اجتماعی در آن بسیار است. مدرسه چندپایه‌ای شهری که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است، در منطقه‌ای فقیر قرار داشت.

مدیریت کلاس چندپایه بسیار دشوار است؛ زیرا دانش‌آموزانی در پایه‌های مختلف در کلاس حضور دارند. در چنین کلاسی، معلم باید همواره حواسش به روش‌هایی برای گروه‌بندی و مطالعه فردی دانش‌آموزان باشد. برخلاف مناطق روستایی، تدریس چندپایه در شهرها، برای دانش‌آموزان و معلمان مزایایی دارد.

برای مؤثر بودن آموزش در کلاس چندپایه، باید به این موضوع توجه شود که هر دانش‌آموز در سطحی خاص از رشد قرار دارد. به همین دلیل، دانش‌آموزان می‌توانند با انعطاف بیشتر و با سرعت دلخواهشان یاد بگیرند. نتایج تحقیقات نشان

۱. خواندن

بر اساس بیانیه سیاست‌گذاری برنامه درسی^۲ آفریقای جنوبی، در برنامه درسی، آموزش زبان به بخش‌های شفاهی، خواندن و نوشتن تقسیم شده است. در کلاس‌های مرحله ابتدایی، آموزش زبان مادری ۶ ساعت، و آموزش زبان دوم ۴ ساعت برای کلاس دوم و ۵ ساعت برای کلاس سوم است. زمان یادگیری به گونه‌ای تقسیم شده است که راهبردهای مختلف خواندن از جمله خواندن مشارکتی، گروهی و دو نفره را پوشش دهد. در اینجا، هیچ اشاره‌ای به کلاس‌های چندپایه نشده است و معلمان، خود باید زمان و نحوه آموزش را مدیریت کنند.

برای مؤثر بودن آموزش خواندن، خواننده باید با متنی با کیفیت و متناسب با سطح خواننده مواجه شود؛ متنی که در او اشتیاق و تفکر انتقادی را برانگیزد. دانش‌آموزان باید به کتاب‌هایی متناسب با سطح رشدشان دسترسی داشته باشند که برایشان جذاب، مرتبط با محتوای برنامه درسی، دارای تنوع فرهنگی و به اندازه کافی آموزنده باشد. معلمان با آزاد گذاشتن دانش‌آموزان در انتخاب متن و یاری رساندن به آن‌ها، می‌توانند نیازهای آن‌ها را به‌خوبی درک و سطح آنان را تعیین کنند. در اولین برخوردها با زبان، کودکان با روایت‌ها احاطه

**پژوهش در
حوزه اثربخش
بودن تدریس
چندپایه کمیاب
است اما خانم
ت توانسته است
فضای چندپایه
را به نفع خود و
دانش‌آموزان تغییر
دهد. او با توجه
به نیازهای فردی
دانش‌آموزان،
توانسته است
کلاس‌هایش را
مدیریت کند و
شخصیت‌های
داستانی را
به‌گونه‌ای به
مخاطبان ارائه دهد
که با تجربه زیسته
آنان همسو باشد**

را با دیگران در میان بگذارند. سپس، سؤالاتی مطرح می‌کند که باعث شود دانش‌آموزان بزرگ‌تر نظر دهند و بیشتر حس شخصیت اصلی داستان را درک کنند.

خانم ت معتقد است دانش‌آموزان باید بتوانند تفکر انتقادی داشته باشند و در موقعیت‌های مشابه، عکس‌العمل خود را تجسم کنند. او می‌گوید:

اکثر اوقات، از داستان‌هایی ساده استفاده می‌کنم تا وقت کافی برای بحث داشته باشیم و دانش‌آموزانم بتوانند در مورد تجارب خودشان صحبت کنند.

وقتی از او دربارهٔ تطبیق برنامهٔ درسی برای سه پایهٔ مختلف سؤال شد، گفت که نه تنها باید برای موضوعات درس خواندن برای هر سه پایه برنامه‌ریزی کند بلکه باید برنامهٔ درسی را با نیازهای دانش‌آموزان تطبیق دهد. او می‌گوید:

پوشش کامل برنامهٔ درسی هر سه پایه غیرممکن است. پس من فقط قسمت‌هایی را تدریس می‌کنم که فکر می‌کنم مهم‌ترینند. او دربارهٔ اهمیت یادگیری از همکلاسی به زمانی اشاره می‌کند که یکی از دانش‌آموزانش در پایهٔ دوم در زمینهٔ تشخیص صداها مشکل داشت و برای «یادگیری شالودهٔ صداها» او را در گروه دانش‌آموزان پایهٔ اول قرار داد. او تأکید می‌کند: با اینکه حضور دانش‌آموزان بزرگ‌تر در گروه سودمند است، دلیل اینکه نمی‌خواهد در کل کلاس از گروه‌بندی براساس مهارت استفاده کند این است که نظارت بر توانایی‌های مختلف بسیار دشوار خواهد بود.

او از کمبود حمایت والدین شکایت دارد و می‌گوید: همواره با والدین بر سر تکالیفی که برای منزل می‌دهم، درگیرم. با اینکه بارها آن‌ها را راهنمایی کرده‌ام، باز هم برخی متوجه نمی‌شوند که چه انتظاری از آن‌ها می‌رود.

می‌دهد که رویکردهای مشارکتی برای تدریس، تأثیر مثبتی بر دانش‌آموزان دارد و اعتمادبه‌نفس آن‌ها را افزایش می‌دهد. در روش یادگیری مشارکتی، معلم علاوه بر فعالیت‌های آموزشی، ساختار تعاملات اجتماعی را نیز طرح‌ریزی می‌کند. دانش‌آموزان با یکدیگر همکاری می‌کنند تا تک‌تک اعضای گروهشان مطلب را یاد بگیرند. در کلاسی که دانش‌آموزان جوان‌تر حضور دارند، دانش‌آموزانی که سانشان بیشتر است، بیشتر تلاش می‌کنند تا از دانش‌آموزان کوچک‌تر جلوتر باشند.

یافته‌ها

برای نگارش این مقاله، یک مدرسهٔ چندپایهٔ شهری انتخاب و با یکی از معلمان آن مصاحبه شد. خانم ت به ۳۴ دانش‌آموز در پایه‌های اول، دوم و سوم آموزش می‌دهد. دانش‌آموزانی که به این مدرسه می‌روند، نسبت به مدارس چندپایهٔ روستایی، با چالش‌های کمتری روبه‌رو هستند. فاصلهٔ مدرسه تا خانه برای یک سوم دانش‌آموزان به اندازه‌ای است که می‌توانند پیاده به مدرسه بروند و سایرین نیز با وسایل نقلیه عمومی به مدرسه می‌روند. با اینکه خانواده‌های این دانش‌آموزان از اقشار کم‌درآمد جامعه‌اند، والدین آن‌ها برای تحصیل فرزندانشان، هزینهٔ رفت‌وآمد را تقبل می‌کنند. همچنین، برخلاف مناطق روستایی، با اینکه والدین این دانش‌آموزان تحصیلات به‌خصوصی ندارند، اغلب با سوادند و می‌توانند به فرزندانشان در یادگیری کمک کنند.

تمرکز اصلی این مقاله بر سه موضوع اصلی سوادآموزی، یعنی داستان، دایرهٔ واژگان و درک مطلب است. در هر بخش، چهار موضوع در زمینهٔ آموزش چندپایه‌ای، شامل مدیریت کلاس، تطبیق برنامهٔ درسی، اهمیت یادگیری از همکلاسی، و حمایت والدین مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

داستان‌ها

خانم ت برای مدیریت کلاس، درس خواندن را ابتدا به کل کلاس و سپس به گروه‌های پایه‌ای تدریس می‌کند. برای او در تدریس خواندن، گروه‌بندی براساس پایهٔ دانش‌آموزان بیشتر از گروه‌بندی براساس مهارت، کارآمد بوده است. او داستان «جوجهٔ قرمز کوچک» را که یک حکایت محلی است، برای دانش‌آموزان می‌خواند و از تمام دانش‌آموزان (پایه‌های ۱، ۲ و ۳) می‌خواهد الگوهای کلامی را تکرار کنند. با توجه به اینکه اکثر بچه‌ها در محیطی شهری زندگی کرده‌اند، ممکن است نتوانند این داستان را درک کنند. او برای درک بهتر دانش‌آموزان پایهٔ اول، تصاویری به آن‌ها نشان می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد نظراتشان

**معلمین
کلاس‌های
چند پایه، معمولا
امکان یادگیری
از هم‌کلاسی را
به کار نمی‌برند
و موقعیت‌های
بسیاری را که
این فضا برایشان
ایجاد می‌کند، از
دست می‌دهند**



برخی از والدین زمانی شروع به حمایت می‌کنند که دیگر دیر شده است و فرزندشان باید دوباره همان دوره را بگذراند.

دایره واژگان و هجاها

خانم تی برای مدیریت کلاس در آموزش دایره واژگان و هجاها نیز از گروه‌بندی براساس پایه دانش‌آموزان استفاده می‌کند. او در مصاحبه می‌گوید:

کلاس اولی‌ها واژگان تک بخشی را یاد می‌گیرند، پایه دومی‌ها پسوند و پیشوند به واژگان اضافه می‌کنند و سومی‌ها برای استفاده از واژگان، جمله‌سازی می‌کنند.

او برای آموزش واژگان از بازی‌هایی مانند تطبیق تصویر با کلمات استفاده می‌کند. برای تطبیق با برنامه درسی، از دانش‌آموزان پایه اول می‌خواهد هجاهای اول و آخر هر کلمه را تشخیص دهند. دانش‌آموزان پایه دوم باید کلمات دونویسه‌ای را مشخص کنند و دانش‌آموزان پایه سوم روی تخته، از جملاتی که معلم می‌گوید دیکته بنویسند. از نظر او، حمایت والدین در تکالیفی مانند یادگیری کلمات جدید و دیکته، که دانش‌آموزان باید در خانه یاد بگیرند، نیز رضایت‌بخش نیست.

درک مطلب

خانم ت برای مدیریت کلاس، منابع درسی را خودش به گونه‌ای تنظیم می‌کند که در سطح دانش‌آموزانش باشد. دانش‌آموزان پایه اول باید درکشان از مطلب را به صورت داستانی متوالی، با چیدن تصاویر نشان دهند. پایه دومی‌ها باید مفهوم کلمات را در محتوای ارائه شده درک کنند؛ به همین سبب، به آن‌ها سه گزینه داده می‌شود و آن‌ها باید بهترین گزینه را انتخاب کنند. برای دانش‌آموزان پایه سوم، سؤالاتی مطرح می‌شود که آن‌ها

باید به این سؤالات در قالب جمله پاسخ دهند. در خصوص یادگیری از هم‌کلاسی، در طول پژوهش مشاهده شد که یکی از دانش‌آموزان پایه سوم به چهار دانش‌آموز پایه دوم در ساختن جمله کمک می‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش در حوزه اثربخش بودن تدریس چندپایه کمیاب است اما خانم ت توانسته است فضای چندپایه را به نفع خود و دانش‌آموزان تغییر دهد. او با توجه به نیازهای فردی دانش‌آموزان، توانسته است کلاس‌هایش را مدیریت کند و شخصیت‌های داستانی را به گونه‌ای به مخاطبان ارائه دهد که با تجربه زیسته آنان همسو باشد.

او همچنین برنامه درسی را با نیازهای دانش‌آموزان تطبیق می‌دهد و با اینکه می‌داند به تمام برنامه درسی نخواهد رسید، بخش‌هایی را که فکر می‌کند مهم‌تر است، تدریس می‌کند. او از یادگیری از هم‌کلاسی نیز به خوبی استفاده می‌کند تا دانش‌آموزانی که مهارت بیشتری دارند بتوانند به سایرین کمک کنند. با اینکه کمبود حمایت والدین وجود دارد اما او هیچ‌وقت شاگردان را برای انجام ندادن تکالیف سرزنش نکرده است.

مسئولان آموزشی معمولاً به آموزش چندپایه توجهی نمی‌کنند؛ زیرا چالش‌های این روش بسیار، و مباحث تربیتی درباره آن نیز خیلی کم است. این گونه کلاس‌ها معمولاً به عنوان کلاس‌هایی بی‌نظم شناخته می‌شوند که در آن‌ها زمان به هدر می‌رود و انتقال دانش، روند مشخصی ندارد. معلمین این کلاس‌ها معمولاً امکان یادگیری از هم‌کلاسی را به کار نمی‌برند و موقعیت‌های بسیاری را که این فضا برایشان ایجاد می‌کند، از دست می‌دهند.

با توجه به مواردی که ذکر شد، پیش‌فرض اولیه این تحقیق این بود که آموزش خواندن در کلاس‌های چندپایه شهری موفق نخواهد بود. تحقیقات بین‌المللی کمی که در این خصوص انجام شده بود و نتایج آزمون خواندن این کلاس‌ها (۳۷/۵ درصد) نیز مهر تأییدی بر این موضوع بود اما در این تحقیق مشخص شد که خانم ت در کلاس‌هایش به پیشرفت حسی، آگاهی، اجتماعی و آموزشی دانش‌آموزانش توجه خاصی دارد. این مقاله از محدود گزارش‌های پژوهشی است که آموزش خواندن را در کلاس‌های چندپایه شهری توصیه می‌کند.

* پی‌نوشت‌ها

1. One teacher's experiences of teaching reading in an urban multi-grade foundation phase class
2. Colleen Sampson
3. Janet Condy
4. Foundation phase (FP)
5. Curriculum Assessment Policy statements (CAPS)
6. Social Imagination

